

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم وېر زنده پک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

Political

afgazad@gmail.com

سیاسی

لوموند دیپلماتیک

روسیه، در جستجوی ریشه های اسلامی اش

مسکو به دنبال برقراری رابطه از ایران تا عربستان سعودی

نوشته Jacques LEVESQUE

تحکیم چندقطبی بودن، گفتگو میان « غرب مسیحی » و « شرق اسلامی »، اهدافی اغماض ناشدنی از لحاظ اقتصادی: توسعه روابط روسیه و کشورهای اسلامی به یکی از الویتهای سیاست خارجی مسکو بدل گشته است. با وجود درگیری در چین، این سیاست به ثمر نشسته است و شامل کشورهایمانند عربستان سعودی، مصر و ترکیه نیز میشود که متحد سنتی ایالات متحده محسوب میشوند.

با وجود جنگ بیرحمانهای که در آن زمان در چین جریان داشت، آقای ولادیمیر پوتین مفتخر شد تا اولین رئیس جمهوری کشوری با اکثریت غیر مسلمان باشد که برای سخنرانی در نشست سران سازمان کنفرانس اسلامی (OCI) Organisation de la conférence islamique] دعوت میشود؛ نشستی که دهم اکتبر ۲۰۰۳ پنجاه و هفت دولت اسلامی را گرد هم آورد. موفقیت سیاسی و دیپلماتیک. با توجه به این که فدراسیون روسیه بیش از پانزده درصد تبعه مسلمان دارد (۱) و هشت جمهوری خودمختار از مجموع بیست جمهوری نام مردم مسلمان را بر خود دارند (۲)، روسیه جایگاه بازرس این سازمان بین المللی را به دست آورد؛ لطفی که با حمایت متناقض ایران و عربستان سعودی همراه بود.

از آن زمان، آقای پوتین و دیگران سران روس، از جمله سرگئی لاوروف، وزیر امور خارجه، در هر فرصتی تاکید میکنند که روسیه « تا حدودی، جزو دنیای اسلام محسوب میشود ». در مصاحبه ای که شانزدهم اکتبر ۲۰۰۳ در شبکه الجزیره انجام شد، آقای پوتین خاطر نشان ساخت که برخلاف مسلمانانی که ساکن اروپا هستند، هم کشینانشان در روسیه بومی هستند. وی تاکید کرد که حضور اسلام در روسیه مقدم بر حضور مسیحیت است (۳....)

بر این اساس، از این پس مسکو خواستار رابطه سیاسی و ژوهای با جهان عرب و مسلمانان در کل است. به نظر میرسد که روسیه، دولتی که در درجه اول اروپایی است، نقشی تاریخی برای واسطه شدن میان جهان غرب و جهان اسلام برعهده دارد. در توضیح معنا و عواقب چنین خواسته هایی و همچنین سیاستهای وابسته به آن سه علت وجود دارد.

اول برای زدودن اثرات زیانبار جنگ چین در روسیه و دیگر نقاط جهان. به ویژه با تقویت حس تعلق مسلمانان به دولت روسیه، هدف از بین بردن، یا دست کم محدود ساختن، قطبی شدن روابط میان اکثریت قومی روس و مسلمانان روسیه است. آقای پوتین در همان مصاحبه تاکید میکند که « باید از اسلام گریزی ممانعت کرد ». این کار دشوار است

به ویژه زمانی که میدانیم، نه تنها در چین که همه جا، در تعقیب کسانی هستند که فقط در مظان اسلامگرایی افراطی قرار دارند. وی تأکید میکند که «هویت تروریسم را نباید در هیچ دین، فرهنگ و سنتی نمادین ساخت». اگر پیش از یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ و کمی پس از آن، وی، حسب عادت، شورشیان چین را «تروریستهای افراط گرای مسلمان» مینامید، از آن پس با پرهیز از هرگونه ارجاعی به اسلام آنها را «تروریستهای وابسته به شبکه های بین المللی قاچاق مواد مخدر و اسلحه» میخواند.

اقتصاد و جستجوی هویت

جستجوی رابطه ای برتر با دنیای عرب و مسلمانان جنبه دوم این سیاست است که در راستای هدف رسمی سیاست خارجی روسیه مبنی بر «تقویت جهان چندقطبی»، و یا به عبارت دیگر، پشتیبانی و تقویت مراکز مقاومت علیه سلطه تک جانبه ای ایالات متحده ی آمریکا است. منظور از آن انتفاع از خصومت فراگیر با سیاست خارجی و آشنگتن در کل جهان عرب و مسلمان است. پیش از این، اتحاد جماهیر شوروی خود را همچون متحد طبیعی دنیای اعراب ضد امپریالیستی و «دارای جهت گیری سوسیالیستی» نشان میداد. از این پس، روسیه میخواهد رابطه ای محکم، نه فقط با ایران و سوریه، بلکه همچنین با عربستان سعودی، مصر و ترکیه ایجاد کند که از مدتها پیش به ایالات متحده آمریکا نزدیک بوده اند.

ملاحظات اقتصادی، به ویژه در بخش انرژی، لوکوموتیو بازگرداندن روسیه به صحنه بین المللی را با فشار به جلو میراند. کرملین، در بخش انرژی هسته ای و در صادرات نیروگاه های هسته ای، آینده خوبی را برای خود پیش بینی میکند که می تواند در عرصه رقابت بین المللی در حوزه های فناوری پیشرفته جایگاهی فراتر از یک کشور صادر کننده مواد اولیه انرژی را برای خود ایجاد کند. در زمینه صادرات اسلحه نیز اوضاع به همین ترتیب است؛ بخش بسیار کارآمد اقتصاد اتحاد جماهیر شوروی که در دهه ۱۹۹۰ دچار مشکلات جدی شده بود.

کرملین دیگر به دنبال اتحادیه های ظاهری نمی باشد. همچون شرایط حاکم بر سازمان همکاری شانگهای (l'Organisation de coopération de Shanghai, OCS) روسیه، چین، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان، مسکو، بدون آن که خود را در رویارویی مستقیم با ایالات متحده آمریکا بداند، به جای روابط تصنعی، خواهان روابط سیاسی قوی است. این نکته نیز قابل توجه است که ایران که خواهان عضویت رسمی در این گروه بود فقط به عنوان ناظر پذیرفته شد.

در نهایت، سومین توجیه این سیاست جدید در قبال دنیای اسلام ریشه در جستجوی هویت روسیه پس از فروپاشی اتحاد جماهیر، هم از جنبه بین المللی و هم از جنبه داخلی، دارد. در این راستا، سیاست فقط از فرصت طلبی سیاسی مبتنی بر مقتضیات ناشی نمیشود. در سال ۲۰۰۵، سرگئی روگوف، عضو فرهنگستان، در نشریه رسمی روابط خارجی نوشته است «در وهله اول، فاکتور اسلامی سیاست روسیه مسئله هویتی است (۴)». وی میافزاید: «این یکی از علت هایی است که بنا بر آن، روسیه نمیتواند دولت ملت، در معنای اروپایی، آن باشد.» و ادامه میدهد: «روابط ما با دنیای اسلام، به طور مستقیم، با امنیت ما در ارتباط است.»

باید به درستی معنای این سخنان را درک کرد. در سپتامبر ۲۰۰۳، آقای ایگور ایوانف، وزیر امور خارجه وقت، تأکید کرد که جنگ عراق، همچون سایر نقاط دنیا، باعث افزایش تعداد سوءقصد های انجام شده در خاک روسیه شده است. این سخن پیش از فاجعه بسلان، یکی از پیامدهای اسف بار این جنگ، بیان شد (۵). بی شک، این موارد جایگاه مسکو را نشان میدهد. نباید جهت گیری مشترک فرانسه، آلمان و روسیه را در شورای امنیت سازمان ملل متحد از نظر دور داشت که مشروعیت بین المللی جنگ به راه افتاده توسط ایالات متحده آمریکا را از بین برد. مسکو، با کمک این ائتلاف، امید داشت شاهد ظهور نشانه جهان جدید چند قطبی باشد.

به نظر میرسد رهبران روسیه، آقایان پوتین و دیمیتری مدودوف در راس قدرت، واقعاً از این موضوع نگران هستند که نظریه «جنگ تمدن ها» به پیشگویی بدل گشته است که خود به خود تحقق مییابد. با وقوع جنگ عراق، کمی پس از جنگ افغانستان، و حمایت بی قید و شرط و بی سابقه و آشنگتن از سیاستهای سازش ناپذیر اسرائیل، رهبران روسیه باور دارند که حملات آمریکایی ها به ایران باعث ایجاد فاجعه ای در روابط جهانی خواهد شد و پیامدهای بیثبات کننده فراوانی در این منطقه وسیع نزدیک روسیه، تعداد بیشمار از جمهوری های پیشین شوروی و حتی خود روسیه، بر جای خواهد نهاد.

این یکی از کلیدهای فهم روابط پیچیده و مشکلی است که روسیه با ایران دارد. از یک سو، تهران یک شریک ژئوپولیتیک مهم به حساب می‌آید و فراتر از آن، پس از چین و هند، سومین مشتری عمده صنایع نظامی روسیه و همچنین ویتربنی برای صادرات کنترل شده نیروگاه های هسته ای است. رهبران ایران همواره، از حمایت از شورشیان چین شانه خالی کرده اند. دو کشور برای حمایت بسیار فعالانه از نیروهای نظامی مخالف طالبان در افغانستان، حتی پیش از اقدام ایالات متحده آمریکا در این زمینه، همپیمان شده اند. باید یادآوری کرد که افغانستان تحت سلطه طالبان تنها کشوری بود که استقلال چین را به رسمیت شناخته بود و کمک هایش به مبارزان چینی را نیز نباید از نظر دور داشت.

از سوی دیگر، مسکو، با توصیف شرم آور بودن گفته های رئیس جمهور محمود احمدی نژاد درباره اسرائیل، آنها را مردود میداند و فشارهای چشمگیری بر ایران وارد میکند، از جمله به ویژه همراه با واشنگتن، در شورای امنیت سازمان ملل متحد، به تحریم های اقتصادی ایران بر علیه ایران رای میدهد که به هرحال عملی بود در جهت محدود شدن و مهار پیامدهای نظامی.

کرملن، به قیمت پذیرش ریسک خراب شدن روابط اش با ایران، در نظر دارد به ایالات متحده و دیگر کشورهای غربی نشان دهد که نقش مسئولانه ای در رابطه با عدم دستیابی ایران به تکنولوژی غنی سازی لازم برای دستیابی به سلاح هسته ای بازی می کند. در عین حال روسیه می خواهد تهران را متقاعد نماید تا با آژانس بین المللی انرژی هسته ای به راه حلی مورد قبول دست یابد. با شرکت در مجازات های محدود و مرحله ای علیه ایران، روسیه سعی می کند شبح حمله نظامی بر علیه این کشور را تاحد ممکن دور سازد. جای تردید نیست که روسیه نمی خواهد یکی از کشورهای هم جوارش به سلاح های هسته ای دست یابد. در عین حال شکی وجود ندارد که روسیه زیستن در کنار ایرانی هسته ای را بر اجبار مقابله با نتایج مخرب حمله آمریکا به ایران ترجیح می دهد.

ترسهای مشترک

چنین مواضع چند جانبه ای در نزدیکی سیاسی به کشورهای چون ترکیه و عربستان سعودی، همپیمانان سنتی ایالات متحده آمریکا، نقش داشتند. بی شک، ایران، رقبای ایران، از دستیابی تهران به سلاح هسته ای می هراسند. به هرحال، همچون روسیه و به همان علتها، با واکنش نظامی واشنگتن مخالفت میکنند. این کشور ها از نتایج چنین حمله ای نه تنها برای خود بلکه برای همسایگان نزدیک شان نیز در هراس اند.

ترکیه، به عنوان نتیجه جنگ عراق، شاهد ظهور کردستانی در عمل مستقل در مرزهایش شد. این مشکل، به تنهایی، با بی ثباتی ایران، وخیم تر خواهد شد. بی شک، روسیه در نظر دارد در دورانی که مبادلات اقتصادی و همگرایی های سیاسی بین دو کشور روسیه و ترکیه به بالاترین سطح خود در دویست سال گذشته رسیده است بهترین نتایج را از این نزدیکی به دست آورد.

در سطحی پایین تر روابط روسیه با عربستان سعودی نیز در همین چارچوب پیش می رود، عربستان سعودی ای که علی رغم دشمنیاش با صدام حسین مخالف جنگ عراق بود (با این حال به ایالات متحده آمریکا اجازه داد تا از پایگاه هایش در خاک این کشور استفاده کند). در فوریه ۲۰۰۷، آقای پوتین، به عنوان اولین رئیس جمهور روسیه با اتحاد جماهیر شوروی از این کشور دیدن کرد. پیشنهاد قراردادهای ساخت نیروگاههای هسته ای و فروش تسلیحات نظامی مطرح شد و همچنین بر روی افزایش تعداد مسلمانان روسی در مراسم حج سالانه توافق شد. دفاع از شورشیان چینی نیز از میان رفت که ریاض، تا سال ۲۰۰۲، به طور علنی از آنان حمایت میکرد البته بدون آنکه خودمختاری اعلام شده از طرف آنها را بپذیرد.

۱- این ارقام گزارش اشتباهی از وضعیت ارائه میدهند. طبق تجزیه و تحلیلهای رسمی و غربی، میزان بالایی زاد و ولد جوامع مسلمان و مهاجران جمهوریهای مستقل آسیای مرکزی تا سال ۲۰۱۰ باعث افزایش قابل توجهی خواهد شد. Lire. Dmitry Shlapentokh, « Islam and orthodox Russia: from eurasianism to islamism », Communist and Post-Communist Studies, Londres, n° ۴۱, p. ۲۰۰۸, ۲۷-۴۶. به هرحال، به عقیده دیگر متخصصان، از جمله موری فشیخ، یکی از متخصصان برجسته جمعیت شناس روسیه، این برآوردها، آشکارا، اغراق شده هستند و هیچ امکانی برای تأیید آن در کوتاه مدت وجود ندارد.

۲- به غیر از چچن، اینگوش، داغستان، آدیغه، کاباردینو-بالکاری، کاراچاوو-چرکسی، باشقیرستان و تاتارستان. پرجمعیت ترین و مهمترین اینان، تاتارستان و باشقیرستان هستند. بیش از نیمی از تاتارها خارج از تاتارستان زندگی میکنند؛ تعداد مسلمانان منطقه مسکو، به تنهایی، بیش از باشقیرستان است.

۳- از پایان قرن هفتم، اسلام در منطقه روسیه امروزی گسترش یافت، با این حال، در پایان قرن دهم بود که اولین دولت روس مسیحیت را به عنوان دین رسمی پذیرفت.

Mezhdunarodnaya Zhizn, vol.51, n° 4, Moscou, 2005. - 4

۵- اول سپتامبر ۲۰۰۴، در مدرسه بسلان، در اوستیای شمالی، بیش از هزار و سیصد کودک و بزرگسال به گروگان گرفته شدند. دو روز بعد، پس از یورش سرویس امنیتی روسیه، گروگانگیری با مرگ سیصد و چهل و چهار فرد غیر نظامی (بنا بر آمار رسمی) پایان یافت که بیشترشان کودک بودند.